



تقسیم جهان از دیدگاه اسلام

پدیدآورنده (ها): نصحیان، محمد مهدی

علوم سیاسی :: نشریه ره آورد سیاسی :: تابستان ۱۳۸۶ - شماره ۱۶

صفحات: از ۱۲۵ تا ۱۳۶

آدرس ثابت: <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/338548>

تاریخ دانلود: ۱۴۰۲/۱۰/۲۵

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



مقالات مرتبط

- پژوهش در حقوق امنیت ملی: مبناها و کاربردها
- جهانی شدن و چالش مشارکت سیاسی در جمهوری اسلامی ایران
- ملاحظات امنیت ملی در سازمان جهانی تجارت
- تعامل مصونیت دولت ها و قواعد آمره در پرتو رأی مصونیت صلاحیتی ۲۰۱۲
- تحول حقوق زنان و خانواده در اسناد بین المللی منطقه ای و حقوق ملی
- درآمدی بر مبانی حقوق شهروندی در اسلام
- نسبت سنجی بازاریابی شبکه ای با عقود معین و غیر معین
- امنیت ملی در جهان سوم
- حق شرط بر کنوانسیون امحای کلیه اشکال تبعیض علیه زنان
- تبعیض مثبت در اسلام و حقوق اقلیت های دینی در حکومت اسلامی
- نظام سیاسی و دولت در اسلام (۳) «نظام سیاسی شیعه
- الگوی مشارکت سیاسی در نظریه های ولایت فقیه

عناوین مشابه

- زیبایی شناسی: نگاهی به فلسفه هنر از دیدگاه اسلام: پدیده زیبایی در جهان هستی
- وحدت جهان اسلام از دیدگاه امام خمینی (ره)
- تحلیل عرفی شدن در جهان اسلام از دیدگاه آیت الله خامنه‌ای
- تقسیم کار جنسیتی از دیدگاه اسلام
- پیش نشست مقدماتی کنگره جریان‌های افراطی و تکفیری از دیدگاه علمای جهان اسلام/مردادماه ۹۳ در زاهدان
- سنجش میزان تحقق اهداف راهبردی پایگاه استنادی علوم جهان اسلام از دیدگاه اعضای هیات علمی کشور
- اسلام از دیدگاه اندیشمندان جهان
- راهبردها و راه کارهای جهان اسلام در مقابله با استکبار جهانی از دیدگاه امام و رهبری
- بررسی مفهوم عدالت اسلامی از دیدگاه متفکران جهان اسلام و جایگاه آن در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
- مسائل جهان اسلام از دیدگاه مقام معظم رهبری

تقسیم جهان از دیدگاه اسلام

محمد مهدی نصحیان*

چکیده: متفکران اسلامی سه معیار عقیدتی و حقوقی - سیاسی و عرفی را در تقسیم جهان از منابع اسلامی استنباط کرده اند. از نظر معیار اول اسلام بدنبال ایجاد یک اتحاد معنوی و فطری برای همه انسان‌ها است، تا بر اساس آن همه انسان‌ها تحت حکومت الهی قرار بگیرند. با این نگاه اسلام به مرزهای مادی و جغرافیایی اصالت نمی‌دهد و مرزهای جهان اسلام، با سه ملاک اعتقادات ساکنان یا قلمرو حکومت اسلامی یا ملاک اجرای احکام اسلام و رعایت شاعر مشخص می‌شود. از سوی دیگر تدبیر در بخش معاهدات و پیمان‌ها از نظر اسلام ما را به معیار حقوقی - سیاسی می‌رساند. با این معیار مرزهایی که طبق قرارداد و پیمان بین کشورهای دیگر و حکومت اسلامی معین شده است، از دیدگاه اسلام معتبر است. با دقت در آیین اسلام به خصوص عنوان مرابطه پی بوجود مرز و اهمیت آن از دیدگاه اسلام به عنوان پدیده‌ای اعتباری و عرفی می‌بریم. چرا که دولت اسلامی حفظ و نگهداری از قلمرو خود را در مقابل مداخله و تجاوزات خارجی بعهده دارد. به این منظور ناگزیر باید قلمرو خود را از سرزمین‌های دیگر مشخص و متمایز کند.

کلیدواژه‌ها: اسلام، جهان، مرز، دارالاسلام، حکومت اسلامی، قلمرو، تقسیم جهان.

* دانشجوی کارشناسی ارشد پیوسته، رشته معارف اسلامی و علوم سیاسی، ورودی ۱۳۷۹، دانشگاه امام صادق (ع).

تقسیم‌بندی جهان به دلایل گوناگونی از جمله احکام و شرایط مخصوص هر ناحیه مورد توجه صاحب‌نظران و فقهای اسلامی قرار گرفته است. بعضی از این تقسیم‌بندی‌ها مثل تقسیم جهان به دارالاسلام و دارالحرب بهانه‌ای برای زیرسؤال بردن اسلام شده است. هدف از این تحقیق ارائه و بیان نظریات گوناگون درباره تقسیم جهان از دیدگاه اسلام و توضیح مختصری درباره هر تقسیم‌بندی برای درک هر چه بهتر آنها است.

صاحب‌نظران و فقهای اسلامی با توجه به مقتضیات و نیازهای هر عصر تقسیم‌بندیهای گوناگونی از جهان ارائه کرده‌اند که مجموع نظرات ایشان را می‌توان در سه نظریه بیان کرد:

نظریه اول: تقسیم جهان از لحاظ فکری - عقیدتی

نظریه دوم: تقسیم جهان از لحاظ حقوقی - سیاسی

نظریه سوم: تقسیم جهان از لحاظ عرفی - سیاسی

۱- تقسیم جهان از لحاظ فکری - عقیدتی

یک دسته از متفکران مسلمان جهان را از دیدگاه فکری و عقیدتی به سه منطقه تقسیم می‌کنند:

۱-۱- تقسیم جهان به دارالاسلام و دارالکفر از لحاظ عقاید ساکنان

۲-۱- تقسیم جهان به دارالاسلام و دارالکفر از لحاظ قلمرو حکومت

۳-۱- تقسیم جهان به دارالاسلام و دارالکفر از لحاظ اجرای احکام اسلامی

۱-۱- تقسیم جهان به دارالاسلام و دارالکفر از لحاظ عقاید ساکنان

از این منظر دارالاسلام همه انسان‌های معتقد به مبانی اسلامی را دربرمی‌گیرد و شامل کلیه گرویدگان این مکتب هرچند از نظر خاک، رنگ، نژاد، زبان با هم اختلاف داشته باشند، می‌گردد. دارالکفر نیز شامل تمامی انسانهای غیرمسلمان جهان (از هر فرقه و دسته) می‌باشد (عمیدزنجانی، ۱۳۶۵: ۲۹).

در این تقسیم به خوبی جایگاه عقیده و ایمان در مرزبندی جهان ملاحظه می‌شود و قلمرو دولت اسلامی را قطع نظر از مختصات خاک، خون و غیره بر یک اصل معنوی

(وحدت عقیده) استوار می‌گرداند. به عبارت بهتر آن قسمت از جهان را که مردم آن معتقد به اسلام هستند دارالاسلام و قسمت دیگری را که مردم آن در برابر عقاید اسلام حالت منفی دارند دارالکفر می‌نامند (عمیدزنجانی، ۱۳۶۶: ۲۹).

در فقه اسلامی برای هر یک از این دو سرزمین در برخی از مسائل مقررات خاصی آمده است که خود لزوم چنین تقسیم‌بندی را توجیه می‌کند.

علامه طباطبائی (ره) تحت این عنوان که (مرز کشور اسلامی عقیده است نه حدود جغرافیایی) می‌گوید: اسلام، اصلاً انشعابات قومی را از اینکه در تکوین جامعه نقش مؤثری داشته باشد، ملغی ساخت (علامه طباطبائی، ۱۳۶۳: ۱۲۵). از نگاه ایشان جامعه اسلامی امت واحد بوده، در قلمرو سرزمین اسلام مرزهای قومی اصالت ندارد و جهان به دو بخش دارالاسلام و دارالکفر تقسیم می‌شود، یعنی هر جا که مسلمانان حضور داشته باشند، سرزمین اسلام است و هر جا که غیر مسلمانان زندگی می‌کنند، سرزمین کفر به حساب می‌آید.

۱-۲- تقسیم جهان به دارالاسلام و دارالکفر از لحاظ قلمرو و حکومت

دارالاسلام با این معیار عبارت است از کلیه کشورهایی که در قلمرو حکومت اسلامی هستند. اتباع این کشورها معمولاً مسلمان هستند و اگر اقلیت غیرمسلمانی هم وجود داشته باشد، تحت شرایطی از حقوق خاصی برخوردارند، ولی با این حال تابع حکومت‌های اسلامی می‌باشند. علامه حلی در بحث از حکم لقیط (طفل سرراهی) محدوده سرزمین اسلام یا به تعبیر دیگر دارالاسلام و دارالکفر را مشخص کرده است. ایشان دارالاسلام و دارالکفر را به دو دسته تقسیم کرده اند:

(علامه حلی، ۱۳۵۹: ۲۷۵). سرزمین‌های دارالاسلام عبارتند از:

۱- سرزمینی که مسلمانان تأسیس کرده‌اند و در حال حاضر متعلق به آنان است.

۲- سرزمینی که مسلمانان با جنگ آن را تصرف کرده‌اند.

دارالکفر نیز دو دسته است:

۱- سرزمینی که متعلق به مسلمین بوده ولی در حال حاضر در اختیار کفار است.

۲- سرزمین که در اصل بوسیله کفار تأسیس شده و در حال حاضر نیز در اختیار آنان است.

بنابراین هر جا که مسلمانان حضور داشته باشند و حاکمیت آن منطقه در اختیارشان باشد (دارالاسلام) و هر جا که حاکمیت آن متعلق به کافران است (دارالکفر) محسوب می‌شود (هنگامی که جزئی از اجزاء دارالاسلام مورد تجاوز دشمنان اسلام قرار بگیرند بر مسلمین واجب کفایی است که به مقدار احتیاج در مقام دفاع برآیند و در صورتیکه احتیاج به نیروی بیشتری در بین باشد، بر همه مسلمانان واجب عینی خواهد شد و در صورت تخلف از انجام این وظیفه همه آنها مسئول خواهند بود) (ضیائی بیگدلی، ۱۳۷۵: ۵۷).

سرزمین‌هایی که بدین ترتیب جزء دارالاسلام محسوب می‌شود با استیلاء و تسلط دشمنان از عنوان سرزمین اسلامی و دارالاسلام و احکام آن خارج نخواهد شد و هر قدر هم از نظر زمان تأخیر وجود داشته باشد، مسئله دفاع در برابر تجاوزات گذشته و حال به قوت خود باقی است. بر طبق این نظریه دارالکفر یا دارالحرب به کشورهای غیراسلامی اطلاق می‌شود. ساکنین این کشورها تماماً یا غالباً غیرمسلمان بوده و تحت حکومت کافر محسوب می‌گردند. در این کشورها اگر اقلیت مسلمانی نیز زندگی کنند، تحت حکومت کشورهای کافر قرار دارند و لو از نظر انجام فرائض مذهبی آزادی کامل را دارا باشند.

۱-۳- تقسیم جهان به دارالاسلام و دارالکفر از لحاظ اجرای احکام اسلامی

در این نظریه جنبه گسترده‌تری به مفهوم دارالاسلام داده می‌شود و حتی کشورهای غیراسلامی که مسلمانان ساکن در آن بتوانند آزادانه به وظایف و تکالیف شرعی خود عمل کنند نیز جزء دارالاسلام است. از این نظر عنوان دارالاسلام بر سرزمین معینی منوط به توسعه یا محدودیت اعتبار قانون اسلام است، به این معنی که اگر احکام اسلامی حتی بوسیله معدودی از مسلمانان در سرزمینی رعایت شود، آن سرزمین از لحاظ تئوری سرزمین اسلامی شناخته می‌شود. طرفداران این نظریه مدعی‌اند که ظهور و تجلی اسلام به ظهور احکام و شعائر آن بستگی دارد. بنابراین وقتی احکام و شعائر اسلامی در سرزمینی اجرا نشود، دیگر آن سرزمین عنوان دارالاسلام را از دست خواهد داد. بدین ترتیب سرزمین واحدی ممکن است در یک زمان جزئی از دارالاسلام باشد و در زمان دیگری بر اثر تسلط قوانین غیراسلامی و از بین رفتن شعائر و احکام اسلامی به دارالکفر ملحق شود. در این نظر دارالکفر برعکس جنبه محدودتر به خود می‌گیرد و شامل کشورهای غیراسلامی می‌شود

که مسلمانان ساکن در آنجا به هیچ وجه قادر به انجام فرایض مذهبی خویش نباشند و به عارت دیگر سرزمینهای خارج از مرز قانون اسلام را دارالکفر یادارالحرب می‌دانند.

در تایید این نظرمی توان هندوستان را ذکر نمود. چنانچه در اواخر قرن نوزدهم میلادی هندوستان هرچند تحت اداره بریتانیای کبیر بود اما به عقیده فقها اگر تمام یا قسمتی از شریعت توسط ساکنان آن سرزمین اجرا شود لازم نیست که فرمانروا مسلمان باشد (عمیدزنجانی، ۱۳۶۷: ۲۴۶). آنها این کشور را جزئی از دارالاسلام میدانستند. به عقیده ایشان ملاک دارالاسلام و دارالکفر اجرا و عدم اجرای قوانین الهی است و شخص و نوع حکومت تأثیری در صدق این عنوان ندارد (عمیدزنجانی، ۱۳۶۷: ۲۴۷).

در بررسی این نظریات باید به نکته‌ای توجه کرد:

در یک نظر سطحی ممکن است چنین قضاوت شود که اسلام کره زمین را به دو بلوک (مهاجم) و (هدف تهاجم) تقسیم کرده است و به استثنای سرزمین‌های اسلامی در کلیه جاهای دیگر یک حالت عمومی جنگ برقرار نموده است. این قضاوت دستاویز تاخت و تازهایی به حریم اسلام در محافل علمی و سیاسی شده است. درحالیکه این نکته مورد توجه قرار نگرفته است که فقها این تقسیم‌بندی از جهان را عموماً در مباحث جهاد بکار برده‌اند. لذا ملاحظه می‌شود که اطلاق دارالحرب تنها به سرزمینهایی صحیح است که اولاً اکثریت مردم آنجا غیرمسلمان هستند، ثانیاً عملاً در صحنه درگیری نظامی و یا مجوز شرعی چنین درگیری درباره آن محقق گردیده است. از نظر اسلام جنگ یک حالت عارضی در روابط مسلمانان با غیرمسلمانان است و اصل در روابط بین‌الملل اسلامی همزیستی مسالمت‌آمیز است. (اسلام بدنبال ایجاد یک اتحاد معنوی، اصیل و فطری برای همه انسانها است، تا بر اساس آن همه انسانها هرچند که در سرزمین‌های مختلف زندگی کنند و هرچند که از نژاد، رنگ، طبقه و ملیتهای گوناگون باشند، تحت حکومت الهی قرار بگیرند. لذا در این آرمان مرزهای اقلیمی (جغرافیایی) دیگر اصالت خود را از دست می‌دهند) (خلیلیان، ۱۳۸۲: ۱۵۵).

۲- تقسیم جهان از لحاظ حقوقی - سیاسی

تدبر در سیستم سیاست خارجی اسلام مخصوصاً توجه خاصی که در موضوع معاهدات و پیمان‌ها دارد به خوبی می‌رساند که در کنار دارالاسلام و دارالکفر (دارالحرب) وجود سرزمینهای دیگر هم قابل تصور است، هرچند قابل انکار نیست که (ملت‌ها و

دولتهای غیراسلامی به علت وحدت نظر منفی که در مورد اسلام دارند، همه نسبت به اسلام و ملت اسلامی، اردوگاه مخالف محسوب می گردند (عمیدزنجانی، ۱۳۶۶: ۱۰۹).

کشور اسلامی صریحاً یا بطور ضمنی به موجب یک قرارداد خاص کتبی و یا با اتخاذ یک موضع عملی حوزه اعمال حاکمیت و صلاحیت خود را در برابر کشورهای دیگر معین می کند یا آنکه با رعایت حریم صلاحیت آنها، مرزهای تعیین شده را پذیرا می شود. بدیهی است که چنین تعهدی هر گاه از سوی حکومت اسلامی صورت گیرد، مانند دیگر تعهداتش، لازم الرعایه می باشد (خلیلیان، ۱۳۸۲: ۱۵۷). در نتیجه یک سلسله مرزهای جغرافیایی از لحاظ حقوقی و سیاسی در روابط بین الملل اسلامی به رسمیت شناخته می شود که به اجمال آنها را بیان می کنیم:

۲-۱- دارالعهد

دارالعهد براساس آیاتی است که در آنها بر لزوم وفای به عهد نسبت به ملت‌هایی که مسلمین با آنان قرارداد بسته‌اند تأکید شده است. از جمله این آیات، آیه ۴ سوره توبه است که ما ترجمه آن را ذکر می کنیم: (برائت از مشرکین شامل آنها نمی شود که با شما پیمان بسته‌اند و قراردادشان را نقض نکرده و به هیچکدام از دشمنان شما کمک ننموده‌اند. با آنان تا پایان قراردادشان طبق تعهداتی که سپرده‌اید عمل نمایید که خداوند پرهیزگاران را دوست می دارد).

منظور از دارالعهد کلیه دولت‌ها و کشورها و سرزمین‌هایی است که مردم آنها بر اساس پیمانی که با مسلمین بسته‌اند در کنار دارالاسلام از روابط صلح آمیزی با امت اسلامی برخوردار می باشند و روابط سیاسی و اقتصادی و نظامی آن دو براساس پیمان مشترکی تنظیم شده است (عمیدزنجانی، ۱۳۶۷: ۲۶۲). درحقیقت باید گفت دارالعهد عنوان عامی است که بر موارد دارالذمه، دارالامان، دارالهدنه،...، طلاق می گردد.

۲-۲- دارالامان

ثوری دارالامان براساس مشروعیت نوعی قرارداد بین المللی است که فقها آنرا استیمان یا عقد امان می نامند. شیخ طوسی امان را به سه نوع تقسیم می کنند: (عمیدزنجانی، ۱۳۶۷: ۲۶۶).

الف) امام مسلمین که صلاح‌حده مسلمین نافذ می‌باشد، می‌تواند با همه ملت‌ها و دولت‌های جهان قرارداد امان منعقد نماید.

ب) نماینده امام نسبت به همسایگان قلمرو حکومتش می‌تواند از قرارداد امان استفاده کند.

پ) فرد فرد مسلمین می‌توانند یک یا چند نفر از کفار را امان بدهند ولی به اهالی یک شهر نمی‌تواند امان بدهد.

از امام صادق (ع) نقل شده است: (هرگاه سپاهی از مسلمین گروهی از کفار را محاصره نمودند و یکی از آنها درخواست امان کرد و کمترین و پست‌ترین فرد مسلمان از نظر مقام به وی امان داد، بر بالاترین مقام دولت اسلامی واجب است که به این امان وفادار باشد) (علامه حلی، ۱۳۵۹: ۲۷۵).

امیرالمؤمنین علی (ع) در یکی از جنگ‌ها هنگامی که لشکریانش قلعه‌ای را محاصره کرده بودند و در آخرین لحظات جنگ و در آستانه پیروزی بودند، چون شنیدند برده مسلمانی به جمیع اهالی آن قلعه امان داده است، تعهد وی را تنفیذ نمود و از محاصره قلعه دست کشیدند (عمیدزنجانی، ۱۳۶۷: ۲۴۱).

با توجه به این احادیث روشن می‌شود که اعطاء امان اختصاص به فرمانده یا امام مسلمین نداشته و این حق برای عموم مسلمین محفوظ می‌باشد. در مشروعیت قرارداد امان همین مقدار کافی است که ضرر به اسلام و مسلمین نداشته باشد ولی مصلحت داشتن برای اسلام یا مسلمین در آن شرط نیست (بسیاری از فقها مدت امان را تا یکسال می‌دانند. قرارداد امان را می‌توان بصورت کتبی، شفاهی و حتی با اشاره منعقد کرد) (علامه حلی، ۱۳۵۹: ج ۱: ۴۱۶).

مستأمن از همه حقوق انسانی به مقتضای قرارداد امان برخوردار است و از تعرض به مال و جان و عرض مصونیت کامل دارد. لذا اگر مورد تعرض قرار گیرد، دولت اسلامی موظف است از بیت‌المال کلیه خسارت‌های ناشی از تعرض را به آنان بپردازد (عمیدزنجانی، ۱۳۶۷: ۲۶۸).

۲-۳- دارالذمه

مناطق هم‌پیمان با مسلمین (دارالذمه) به سه صورت قابل تصور است:

(عمیدزنجانی، ۱۳۶۷: ۲۵۱)

الف) سرزمینهای ذمی‌نشین پراکنده بدون تمرکز که در قلمرو دارالاسلام قرار گرفته است.

ب) مناطق خاصی از دارالاسلام که محل سکونت ذمیانی بطور متمرکز می‌باشد، به نحوی که ذمیان در آن منطقه دارای تشکیلات دینی و فرهنگی و اجتماعی بوده و از نوعی سازماندهی و تمرکز برخوردارند.

پ) کشورهایی که مردمشان پیرو یکی از ادیان رسمی سه گانه (یهود، مسیحیت و زرتشتی) می‌باشند و با دولت اسلامی قرارداد (ذمه) منعقد نموده‌اند.

لازم به ذکر است در فرض اول و دوم قلمرو آنها جزء قلمرو دارالاسلام محسوب می‌شود ولی در فرض سوم این مناطق را تنها به لحاظ وابستگی به دارالاسلام نمی‌تواند جزء قلمرو دارالاسلام دانست. هرچند احترام به قوانین اسلام و التزام به مقررات اسلامی و پذیرفتن احکام قضائی و جزائی و اجتماعی معمولاً یکی از بندهای اساسی قرارداد ذمه است (عمیدزنجانی، ۱۳۶۷: ۲۵۸).

۲-۴-۵- دارالهدنه

دارالهدنه به سرزمین یا کشوری گفته می‌شود که بین آن و دولت اسلامی قرارداد متارکه جنگ برقرار بوده و طرفین به آن متعهد باشند. شرط اصلی مشروعیت قرارداد مهاده آن است که متضمن مصلحت برای مسلمین باشد. فقها مهاده با همه گروه‌ها و ملت‌های غیرمسلمان را مشروع شمرده و فرقی بین اهل کتاب و غیر اهل کتاب قائل نمی‌شوند. شرکت کنندگان در این قرارداد از امنیت مالی و جانی و عرضی برخوردارند. دولت اسلامی با هیچ بهانه نمی‌تواند قرارداد هدنه را نقض کند مگر آنکه قصد خیانت مهاندین ثابت شود.

در مقایسه قرارداد ذمه و مهاده می‌توان تفاوت‌های زیر را قائل شد: (عمیدزنجانی،

۱۳۶۷: ۲۷۲)

۱- قرارداد ذمه دائمی است ولی مهاده موقت می‌باشد.

۲- قرارداد ذمه با شرط مالی همراه است (جزیه) ولی در مهاده شرط مالی الزامی نیست.

۳- قبول قرارداد ذمه برای دولت اسلامی الزامی است ولی قبول مهاده الزامی نیست.

۴- در صورت احتمال خطر، مهاده صحیح نیست، ولی قرارداد ذمه جز در موردی که خطر قطعی است قابل رد نمی‌باشد.

توجه کنید که مسئولیت مهاده و قرارداد آن با شخص امام (معصوم) و یا نماینده او خواهد بود، زیرا مهاده به معنی ترک جهاد از امور بسیار مهم اجتماعی و سیاسی مسلمین است و افراد و گروه خاصی نمی‌توانند خودسرانه اقدام به عقد مهاده کنند. نکته دیگری که در عقد مهاده باید توجه داشت این است که شرایطی که از نظر اسلام نامشروع است، نباید در آن گنجانده شود زیرا چنین شرطی لغو و بی‌اثر است. از جمله این شروط نامشروع تحویل اسلحه به کفار،.. را می‌توان ذکر نمود. نکته دیگر مدت مهاده باید در متن قرارداد آورده شود و این شرط به دو صورت قابل اجراست: نخست اینکه مدت مهاده در قرارداد ذکر شود و یا اینکه قرارداد مطلق باشد ولی دولت اسلامی برای خود حق فسخ قرارداد را محفوظ بشمارد. (در مورد مدت مهاده برخی فقها آنرا تا ۴ ماه و بعضی تا یکسال می‌دانند و عده‌ای هم مدت آنرا موکول به نظر و صلاحدید دولت اسلامی می‌کنند) (عمیدزنجانی، ۱۳۶۷: ۲۷۴).

پیامبر (ص) در جریان جنگ احزاب ناگزیر برای تضعیف جبهه دشمن به یکی از متحدان قریش پیشنهاد نمودند: در ازای دریافت یک سوم محصول خرماى مدینه، وی و قومش از همکاری با قریش خودداری کنند.

با استناد به رفتار ایشان اگر بنا به مصلحت و ضرورت حصول توافق در قراردادی بین دولت اسلامی و دولت کفر بار مالی داشته باشد، قرارداد مشروع خواهد بود (عمیدزنجانی، ۱۳۶۷: ۲۷۶).

۲-۵- دارالصلح

به کشورهای اطلاق می‌شود که بین آنها و دارالاسلام قرارداد صلح منعقد شده باشد. قرارداد صلح به اجماع فقهاء اسلام برای دولت اسلامی جایز است ولی در اینکه قرارداد صلح همان قرارداد ذمه یا هدنه و یا امان است و یا قراردادی است جداگانه در میان فقها اختلاف نظر است.

علامه حلی در تذکره الفقهاء می‌گویند: امام مسلمین می‌تواند با غیرمسلمانان قرارداد صلح منعقد نماید و این مطلب بین فقها اجماعی است. زیرا کار جنگ مربوط به امام و موکول به نظر وی می‌باشد. همچنین نماینده امام (حتی اگر ولایت عامه برای او قائل

نشویم) نیز باید گفت که وی می‌تواند به هر نحوی که صلاح بداند دست به انعقاد قرارداد صلح بنماید (علامه حلی، ۱۳۵۹، ج ۱: ۴۱۴).

در صلح دولت اسلامی می‌تواند خارج از چارچوب و ضوابط و شرایط قراردادهای معین نامبرده (ذمه، هدنه،...) با دارالکفر قرارداد منعقد کند. براساس نظر علامه حلی در شرایط صلح و حتی بدون خطر جنگ، بطور اضطراری و یا بنابر مصلحت اسلام و دارالاسلام، دولت اسلامی می‌تواند با دارالحرب وارد مذاکره و امضای قرارداد صلح برای مدت طولانی شود (عمیدزنجانی، ۱۳۶۷: ۲۹۶).

۲-۶- دارالبغی

بغی در لغت به معنی ظلم و تجاوز و نافرمانی آمده است و در اصطلاح فقه سیاسی، باغی یا شورشی به مسلمانی گفته می‌شود که به دنبال تشخیص حق بوده و در این راه به نتیجه‌ای رسیده باشد که وی با دولت اسلامی مخالفت کند و دست به نافرمانی زده و بر علیه دولت اسلامی قیام کند. به همین لحاظ دارالبغی به سرزمین و شهر و کشوری اطلاق می‌شود که گروه متشکلی از مردم آن، علیرغم اعتقاد اسلامی که دارند، براساس یک تفکر انحرافی بر علیه دولت اسلامی شورش کنند و حاکمیت امام و نایب او را به مخاطره افکنند.

مقابله با اهل بغی باید با ظرافت و دقت و استفاده از راه‌حلهای فرهنگی و سیاسی انجام گیرد. دولت اسلامی با گفتگو و بحث و مذاکره سعی در حل مشکل اعتقادی، فقهی و اجتماعی آنان می‌کند و از آنان به طرق مسالمت‌آمیز می‌خواهد که وحدت جامعه اسلامی را حفظ کنند. (شورشیان هرگاه مهلت بطلبند، به آنها فرصت داده می‌شود و در این مدت لازم است دولت اسلامی از جریان امر مطلع باشد و با مراقبت کامل مقاصد آنها را دریابد. اگر تمایلی به فرمانبرداری از آنها مشاهده نمود مهلت کافی می‌دهد و در صورتی که قصد فریب دارند و به این بهانه درصدد تقویت خود و جمع‌آوری نیرو و امکانات هستند چنین فرصتی را از آنان می‌گیرد) (علامه حلی، ۱۳۵۹، ج ۱: ۵۵۶).

دولت اسلامی پس از پیمودن راههای مسالمت‌آمیز و یأس از امکان راه‌حل مسالمت‌آمیز می‌تواند با استفاده از عنوان (مؤلفه قلوبهم) از طریق کمکهای مادی و اقتصادی به عادی‌سازی شرایط و فرونشاندن شورش بپردازد و از بیت‌المال در این راه سود ببرد. با فرض ناکامی در این راه‌ها هنگامی که امام تصمیم به مجازات و سرکوب شورشیان می‌گیرد، بر همه

اقتدار امت واجب است به ندای امام پاسخ مثبت بدهند (عمیدزنجانی، ۱۳۶۷: ۳۱۸).
همچنین درخواست آتش‌بس و مهادنه از شورشیان پذیرفته نمی‌شود و به خاطر جنایاتی که به هنگام شورش مرتکب شده‌اند پس از سرکوب و فرونشاندن شدن فتنه طبق مقررات اسلامی مجازات می‌شوند (علامه حلی، ۱۳۵۹، ج ۱: ۴۵۷-۴۵۶).

۳- تقسیم جهان از لحاظ عرفی - سیاسی

در لزوم تعیین مرزها و قلمرو حکومتی یک دولت (بویژه در دوران معاصر) جای هیچ تردیدی نیست؛ زیرا استقلال و آزادی یک ملت در برابر دیگر ملتها، آنگاه قابل تحقق است که از نظر جغرافیایی دارای سرزمینی مخصوص به خود و طبعاً دارای مرزهای مشخصی باشد که تجاوز دیگر ملل یا دول را از آن مرزها منع کند و هر نوع فعالیت صحیح اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی و...، متوقف به اجازه دولتهای دیگر نباشد.

در منابع اسلامی نیز در موارد متعددی ضرورت و اهمیت این مطلب ضمن بیان ثواب و فضیلت کسانی که پاسداری از مرزهای سرزمین اسلامی را به عهده دارند، تحت عنوان، رابطه گوشزد شده است. قانون رابطه در اسلام به منظور حفظ و نگهبانی مرزهای سرزمین اسلامی منظور گردیده است.

امام زین‌العابدین (ع) در مناجات خود در دعای ۲۷ صحیفه سجادیه از پروردگار متعال چنین درخواست می‌کنند: (بارخدا یا بر محمد و آل محمد درود فرست و به عزت خودت مرزهای مسلمین را حفظ فرما و به نیروی خودت پاسدارانش را یاری ده و با وجود و سخای خویش نعمتهایت را برایشان افزون فرما. خداوندا بر محمد و آل او درود فرست و بر تعداد مرزداران اسلام بیفز و اسلحه آنان را کارگر بفرما و قلمرو مسلمین را در پناه خودت حفظ کن ...)

مرحوم صاحب جواهر نیز در جلد ۲۱ ضمن بحث از وجوب هجرت از سرزمین کفر و احکام رابطه و مرزداری روایاتی را نقل فرموده که ما از باب نمونه تنها یک نمونه را اشاره می‌کنیم. سلمان فارسی (ره) از پیامبر (ص) روایت کرده است: (قال (ص) رباط ليله في سبيل الله خير من صيام شهر و قيامه، فان مات جري عليه عمله الذي كان يعمل و اجري عليه رزقه) (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۲: ۸۶).

نتیجه گیری

اسلام بدنبال ایجاد یک اتحاد معنوی، اصیل و فطری برای همه انسانها است، تا بر اساس آن همه انسان‌ها هرچند که در سرزمین‌های مختلف زندگی کنند، تحت حکومت الهی

قرار بگیرند. لذا در این آرمان مرزهای جغرافیایی دیگر اصالت خود را از دست می‌دهند. از این نظر مرزهای جهان اسلام، مرزهای توسعه‌پذیر و تابع اوضاع عقیدتی و فکری است که با ملاک اعتقادات ساکنان یا ملاک قلمرو حکومت اسلامی یا ملاک دیگر اجرای احکام اسلام و رعایت شعائر مشخص می‌شود. اما تدبیر در سیستم سیاست خارجی اسلام مخصوصاً توجه خاصی که در موضوع معاهدات و پیمان‌ها دارد، به خوبی می‌رساند که مرزهایی که طبق قرارداد و پیمان بین کشورهای دیگر و حکومت اسلامی معین شده است، بی‌تردید از دیدگاه اسلام معتبر است و تا هنگامی که طرف مقابل، پیمان را نقض نکند اسلام نیز عمل به پیمان را الزامی می‌داند. از جمله این پیمان‌ها دارالعهد، دارالذمه، دارالامان، دارالهدنه و... است. هر چند آیین اسلام و همچنین دولت اسلامی از نظر آرمان، به مرزهای مادی و جغرافیایی اصالت نمی‌دهد ولی از نظر سیاسی و عرفی سرزمینهایی در قلمرو سیاسی دولت قرار گرفته است و دولت اسلامی حفظ و حراست سرزمینهای مزبور را در مقابل مداخله و تجاوزات خارجی بعهده دارد، که ناگزیر باید از سرزمینهای دیگر مشخص و متمایز گردد. لذا وجود مرز و اهمیت آن از دیدگاه اسلام به عنوان پدیده‌ای اعتباری و عرفی تحت عنوان رابطه پذیرفته شده است.

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

فهرست منابع و مآخذ:

- ۱- حلی، علی بن مطهر (علامه حلی) (۱۳۵۹)، تذکره الفقهاء، قم: المکتبه المرآتیه لاحیاء آثار الجعفریه، ج ۱.
- ۲- خلیلیان، خلیل (۱۳۶۲)، حقوق بین الملل اسلامی، قم: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- ۳- دفتر همکاری حوزه و دانشگاه (۱۳۷۲)، اسلام و حقوق بین الملل، تهران: سمت، ج ۱.
- ۴- ضیایی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۷۵)، اسلام و حقوق بین الملل، تهران: گنج دانش.
- ۵- علامه طباطبائی، سید محمد حسین (۱۳۶۳)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دارالعلوم، ج ۴.
- ۶- عمیدزنجانی، عباسعلی (۱۳۶۷)، فقه سیاسی، تهران: نشر امیرکبیر، ج ۳.
- ۷- عمیدزنجانی، عباسعلی (۱۳۶۵)، اقامتگاه و آثار حقوقی آن از دیدگاه فقه اسلامی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- ۸- عمیدزنجانی، عباسعلی (۱۳۶۶)، وطن، سرزمین و آثار حقوقی آن، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.